|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب :**

[سب النبی 2](#_Toc428162140)

[مرور بحث سابق 2](#_Toc428162141)

[مناقشاتی در این مقام 2](#_Toc428162142)

[مناقشه اول 2](#_Toc428162143)

[پاسخ از روایت فوق 2](#_Toc428162144)

[مناقشه دوم 3](#_Toc428162145)

[پاسخ از مناقشه فوق 3](#_Toc428162146)

[شبهه سب علنی 3](#_Toc428162147)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc428162148)

[پاسخ به مناقشه 4](#_Toc428162149)

[سب حضرت زهرا (س) 4](#_Toc428162150)

[مستند سب پیامبران 5](#_Toc428162151)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428162152)

# سب النبی

# مرور بحث سابق

در این زمینه مطالبی بیان شد و روایاتی موردبررسی قرار گرفت، برخی از آن‌ها ازلحاظ دلالی و سندی تام بودند و برخی مورد خدشه قرار گرفتند. در آنجا دو مناقشه مطرح شد که آیا مراد از نبی، پیامبر اکرم (ص) است؟

اثبات کردیم که سب نبی همان سب پیامبر (ص) است. به این بحث پرداخته شد که فرقی بین امیرالمؤمنین (ع) و سایر ائمه نیست.

## مناقشاتی در این مقام

## مناقشه اول

این روایت در جلد نوزده وسائل، ابواب دیات نفس، باب بیست و دوم، نقل‌شده است؛

در آنجا دارد که کسی به شما بد می‌گوید، حضرت می‌گوید آیا عزم اراده‌ای داری که کسی را بکشی؟ او می‌گوید بله اگر اجازه بدهید من او را می‌کشم. حضرت می‌فرماید نه این کار را نکن، حضرت جمله‌ای فرمودند که از حضرت مسلم هم نقل‌شده است که اسلام غیض و کظم است و مانع از قتل مخفیانه و پنهانی است.

## پاسخ از روایت فوق

از این روایت به چند طریق جواب داده‌شده است؛

اشکال اول در قبال ضعف سندی روایت است، علی‌الظاهر حضرت بدین‌جهت فرد را از این کار منع کردند که احتمال ضرر و خطری برای او وجود داشته است. ثالثاً اگر این روایات با مسلمات این باب تعارض کند مرجحی وجود دارد چراکه مانند امام و آقای فاضل که شهرت فتوایی را مرجح می‌دانند می‌گویند شهرت عظیمه در این مسئله با قتل ساب ائمه است.

اگر مرجح شهرت را نپذیریم و اولین مرجح را مخالفت با روایات عامه بدانیم بازهم روایاتی که می‌گوید قتل جایز است، مخالف عامه است. لذا شبهه گفته‌شده وارد نیست.

## مناقشه دوم

شبهه دومی که در در المنظور آمده است این بوده که روایات دال بر قتل ساب ائمه با آنچه در سیره ایشان وجود داشت همخوانی ندارد. سلوک عملی امام بدین نحو بوده است که در قبال تعرض‌ها کریمانه و با تصفح برخورد می‌کردند. حتی در مجلس معاویه نسبت به امام حسن سلام‌الله‌علیه بالای منبر سبی صورت گرفت، اما ائمه و اصحاب کاری نکردند.

## پاسخ از مناقشه فوق

اجرای حکم قتل ساب متوقف بر وجود قدرت بوده و قدرت شرط عقلی آن محسوب می‌شود، علاوه بر اینکه این حکم متوقف بر عدم وجود خوف قتل یا ضرر بر خود یا شیعیان است و ثالثاً سیره و سلوک دلیل لبی است. دلیل لبی حمل بر قدر متیقن می‌شود. اطلاقی ندارد که بگوییم مطلقاً کاری نمی‌کردند. که غالب موارد نیز از این باب بوده است.

### شبهه سب علنی

ممکن است کسی این شبهه را داشته باشند که آنچه موضوع حکم قتل ساب است، درجایی است حالت عنی و تکرری داشته باشد و مواردی که به نحو مخفیانه بیان‌شده را دربر نمی‌گیرد.

### اتخاذ مبنا

این شبهه را می‌توان بدین نحو تقویت نمود که در برخی روایات این باب تعبیر سبابه وجود داشت که دال بر تکرر سب از جانب فرد است. در روایتی که یکی از مأموران منصور دوانیقی نسبت به امام در حضور چند نفر از اصحاب سبی انجام داده بود باز این حالت علنی مشاهده می‌شود. روایتی که از نشستن در مجلس سب ائمه نهی می‌کرد نیز دلالت بر تکرر بیان‌شده دارد و همچنین روایات دیگری که در این باب موردبررسی قرار گرفت.

### پاسخ به مناقشه

اما در قبال این شبهه شاید بتوان نحو جواب داد که در روایت بیان‌شده اطلاقی برای اثبات این مدعا وجود ندارد. البته بعید نیست که بتوان گفت موارد بیان‌شده ظهور در مواردی دارد که به صورتی فردی و موضعی از جانب شخص این سب صورت گرفته است و ازآنچه بیان شد انصراف دارد. علاوه بر اینکه برخی از آن موارد در شرایطی بوده که فرد تحت تأثیر محیط و جوی قرار می‌گرفته که بر او حاکم شده بوده است.

در ادله آینده خواهد آمد که سبی در اینجا مدنظر است که از روی عداوت بوده باشد و نفس نصب نیز کفایت نمی‌کند بلکه باید به حالت ابراز برسد. پس در اینجا عداوت مستمر به همراه ابراز شرط است. لذا حکم قتل ساب بدون مراجعه به حاکم درجایی است که این دو قید با یکدیگر حاضر باشند.

#### سب حضرت زهرا (س)

فرع بعدی در مورد حضرت زهرا سلام‌الله علیها است. در مورد حضرت زهرا سلام‌الله علیها هیچ روایتی نداریم. این روایات همه در باب ساب ائمه است. ولی تقریباً هیچ اختلافی وجود ندارد که حکم حضرت زهرا (س) حکم ائمه است و به ایشان ملحق هستند. علتش این است که اگر آن حکم را در حد پیغمبر (ص) اختصاص می‌دادیم، می‌گفتیم دلیل خاصی نداشت و نمی‌شد حکم را از پیامبر (ص) به ائمه سرایت داد، لذا چون بین این چهارده نور تفاوتی در مقام و معرفت نیست حکم را به ایشان هم سرایت می‌دهیم.

#### مستند سب پیامبران

و اما حکم پیامبران دیگر، در مورد پیامبران دیگر دلیل لفظی‌ای که داریم روایتی است در ابواب حد قذف، باب بیست و پنجم، حدیث چهارم، صفحه چهارصد و شصت، جلد هیجده.

**«صَحِیفَةُ الرِّضَا، بِإِسْنَادِهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَبَّ نَبِیاً قُتِلَ وَ مَنْ سَبَّ صَاحِبَ النَّبِی ع جُلِدَ»‌ [[1]](#footnote-1)**

کسی که پیامبری را سب کند، او را می‌کشند. این روایت دلالت خوبی دارد اما سندش مقطوعه است.

#### اتخاذ مبنا

البته می‌توانیم بگوییم همین روایت نیز کافی است و ازلحاظ عقلی می‌توانیم الغای خصوصیت کنیم که آن‌ها نیز به خاطر مقام عصمت شامل حکم بیان‌شده می‌شوند. البته این دلیل عقلی غیرقابل مناقشه نیست. حداکثری اگر کسی بخواهد الغای خصوصیت کند در مورد اولوالعزم است.

1. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج 18، ص: 172** [↑](#footnote-ref-1)